

<https://pecritique.com/>

زنگ‌های بریکس برای که به صدا درمی آیند؟

نقد اقتصاد سیاسی
مهرماه ۱۴۰۲

آنا پالاسیو



ترجمه‌ی احمد سیف



زنگ‌های بریکس برای که به صدا درمی‌آیند؟

تازه‌ترین نشست گروه بریکس را نشستی دوران‌ساز تعبیر کرده‌اند که می‌تواند اساس مناسبات بین‌المللی را تغییر بدهد. البته این نشست چنین دستاوردی نداشت ولی این که شکوه از نظام کنونی تا به این درجه در میان کشورها شایع است و این همه کشور هم هستند که حاضرند نظم موجود را به چالش بگیرند، باید برای غرب هشدار باشد.

نشست اخیر بریکس که رهبران برزیل، روسیه، هندوستان، چین و افریقای جنوبی را در یک‌جا جمع کرد رویدادی ارزیابی شد که می‌تواند ساختار مناسبات بین‌المللی را تغییر بدهد. برخی آن را با کنفرانس باندونگ در ۱۹۵۵ شبیه دانستند که پایه‌ی جنبش غیرمتعهدها را بنانهاد درحالی که دیگران مدعی اند که شاهد شکل‌گیری شیوه‌ی بدیلی از حاکمیت جهانی هستیم که با جهان چندقطبی بیشتر جور درمی‌آید. ولی آن‌چه که این نشست نشان داد این است که شکوه‌های مشابه به ایجاد دورنمای مشابه منتهی نمی‌شود.

به نظر می‌رسد که تصمیم این بلوک برای پذیرفتن شش عضو تازه، آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی، و امارات متحده‌ی عربی پیش‌بینی‌های مبنی بر بازسازی نظم جهانی را تأیید می‌کند. از آن گذشته ادعا می‌شود که ۴۰ کشور دیگر هم مشتاق‌اند که به بریکس بپیوندند اگرچه هیچ‌گاه فهرست واقعی این کشورها منتشر نشده است.

ولی تصمیم به گسترش اعضا همانند کوشش برای دلارزدایی درواقع شبیه چیدن میوه‌های دردسترس است. ولی وقتی به چالش‌های متعدد و حاد جهانی می‌رسیم که به عکس‌العمل فوری نیازمندند، این نشست هیچ راه‌حلی ارائه نکرده است. و البته انتظار می‌رود که این وضع ادامه یابد. در نهایت بریکس، تقریباً همیشه بیشتر محلی برای صدور بیانیه است تا تغییر محتوی و هر عضوی هم از آن استفاده می‌کند تا اهداف خود را به پیش ببرد. در بریکس بزرگ‌تر با اعضای که اختلافات بیشتری دارند به نتیجه رسیدن درباره‌ی مسائل اساسی و حاد دشوارتر می‌شود.

از آفریقای جنوبی شروع می‌کنیم که میزبان این نشست بود. نه تنها این کشور را از نشست کشورهای گروه ۷ کنار گذاشتند بلکه به خاطر موضع‌گیری خنثی درباره‌ی جنگ اوکراین مورد انتقاد قرار گرفت و آمریکا حتی مدعی شد که به روسیه سلاح و مهمات فرستاده است. سیریل رامافوسا، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی یکشنبه‌ی گذشته در یک سخنرانی متذکر شد «بعضی از منتقدین ما حمایت مستقیم و علنی از انتخاب‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود را طلب می‌کنند» و ادامه داد ما سعی می‌کنیم «در این رقابت بین قدرت‌های جهانی درگیر نشویم».

در ضمن رامافوسا سعی کرد بر مناسبات بیشتر آفریقای جنوبی با چین تأکید کند و افزود این مناسبات دو طرفه‌ی ما «تقریباً هم‌سن و سال دموکراسی ماست». ولی بزرگ‌ترین شریک تجاری آفریقای جنوبی آن گونه که رامافوسا مدعی شد چین نیست بلکه اتحادیه‌ی اروپاست و تجارت آفریقای جنوبی با اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا از تجارت آفریقای جنوبی با دیگر اعضای بریکس بیشتر است. برای آفریقای جنوبی بریکس در واقع سکوی مناسبی است تا رهبری خود در آفریقا را تبلیغ کند.

چین همیشه همین طرح را برای بریکس داشته است که از جمله با ارایه‌ی الگوی متفاوتی از حاکمیت جهانی از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای بیشتر کردن نفوذ ژئوپلتیک خود استفاده کند. به این منظور این نشست اهمیت فراوانی دارد. اگرچه رسیدن به توافق با ژاپن، کره‌ی جنوبی و آمریکا برای گسترش همکاری‌های امنیتی و اقتصادی چندان دور نیست ولی این نشست هم این فرصت را به چین داده است تا دورنمای خود از بریکس را به‌عنوان بدیلی در برابر کشورهای گروه ۷ به رهبری رئیس‌جمهور شی جین پینگ ارایه کند.

امکان زیادی وجود دارد که اعضای بریکس با بعضی از مسائل کم‌اهمیت ارایه شده به‌وسیله‌ی چین، از جمله «سیاست‌های یک‌جانبه و حمایتی» مثل تحریم تجاری موافقت کنند. حتی در حوزه‌هایی که اختلاف دارند، ممکن است چین بتواند از قدرت اقتصادی خود استفاده کند - تولید ناخالص داخلی

زنگ‌های بریکس برای که به صدا درمی‌آیند؟

چین ۷۹٪ تولید ناخالص داخلی کشورهای بریکس است - تا دیگر اعضا را به توافق وادارد. ناگفته نماند که چین عمده‌ترین مبلغ بیشتر کردن تعداد اعضا بود، حرکتی که تا این اواخر به غیر از روسیه دیگر اعضای بریکس با آن موافقت چندانی نداشتند.

برای کرملین هم بریکس در واقع وسیله‌ی بسیار مؤثری برای جلوگیری از انزوای بین‌المللی روسیه است. رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین که از طریق آنلاین در نشست مشارکت داشت - برای این که با دستور دادگاه بین‌المللی توقیف‌اش نکنند - از این موقعیت برای تبلیغ برنامه‌اش در جنگ اوکراین استفاده کرد. به‌طور کلی روسیه هم مثل چین امیدوار است که بریکس در برابر نهادها و تشکیلات غربی‌ها بدیل مناسبی باشد.

البته همه‌ی اعضای بریکس این دورنما را ندارند. هندوستان که درگیر اختلاف مرزی کهنه با چین است می‌خواهد که بخش جنوبی جهان را در سطح جهانی نمایندگی و توسعه‌ی اقتصادی را تشویق کند. در عین حال هندوستان مایل است که یک سیاست خارجی مستقل هم داشته باشد. به همین خاطر است که هندوستان در توافق امنیتی چهارگانه با استرالیا، ژاپن و امریکا وارد شد که در واقع به ائتلاف نظامی بسیار شبیه است. عضو دیگر بریکس که دموکراسی نیم‌بندی دارد، برزیل هم ترجیح می‌دهد که به‌طور جدی غیرمتعهد باشد و به‌عنوان یک نیروی توازن‌بخش در مسائل دیپلماتیک عمل کند.

این منافع و دورنماهای متفاوت از همان آغاز کار در بریکس وجود داشت. همان‌گونه که جیم اونیل - کسی که واژه‌ی بریکس را در ۲۰۰۱ ابداع کرد - در ۲۰۲۱ نوشت «بیش از ایجاد بانک بریکس که اکنون به نام بانک جدید توسعه نامیده می‌شود که سالی یک‌بار هم جلسه دارند، به سختی می‌توان روی آن چه‌که گروه انجام داده دست گذاشت». در این دو سال گذشته هم اتفاق خاصی نیفتاده است و بعید است افزودن تعدادی عضو

جدید به یکدستی گروه کمک کند، چه رسد به این که باعث شود که تأثیرگذاری‌اش بیشتر شود.

در این تازه‌ترین نشست ممکن است درباره‌ی موضوعات مهمی چون ایجاد یک واحد پولی مشترک بین کشورهای عضو بریکس و یا توافق گندم در دریای سیاه که روسیه اخیراً با عجله آن را پیش کشید بحث‌هایی شده باشد. ولی همان‌طور که عادت نشست‌های بریکس است بیانیه‌ی پایانی نشست دربرگیرنده‌ی عبارات زیبایی زیادی است از جمله «چندجانبه‌نگری فراگیر» و «رشد بیشتر برای همه‌ی طرف‌های درگیر» ولی به غیر از این شعارها در واقع چیز دیگری ندارد. انتقاد از نظم جهانی به مراتب ساده و سهل‌تر از کوشش برای ایجاد یک نظم نوین جهانی است.

ولو آن‌که نشست بریکس بیانگر مرگ نظم موجود جهانی نباشد ولی نشان می‌دهد که شکوه و شکایت از بعضی وجوه این نظم موجود به چه میزان گسترش یافته و مشترک شده است. هم‌چنین نشان داد که بعضی از کشورها چقدر مشتاق‌اند که این نظم موجود را به چالش بگیرند. غرب باید این علامت‌های هشداردهنده را جدی بگیرد.

پیوند با منبع اصلی:

<https://www.project-syndicate.org/commentary/brics-summit-divergent-interests-undermine-impact-by-ana-palacio-2023-08>